

وجوب گذاشتن ریش

مؤلف:

حضرت شیخ الحدیث مولانا محمد زکریا کاندھلوی رحمۃ اللہ علیہ

مترجم:

عبداللطیف ناروئی

زکریا، محمد، ۱۸۹۸ - ۱۹۸۱ م. Muhammad Zakariyya وجوب گذاشتن
ریش / مولف محمد زکریا کاندهلوی؛ مترجم عبداللطیف نارویی. - زاهدان:
صدیقی، ۱۳۸۳.

ISBN 964-8274-19-3

۱۲۲ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. ریش - جنبه های مذهبی - اسلام. الف. نارویی، عبداللطیف، مترجم. ب.
عنوان.

۲۹۷/۶۳۶

BP ۲۵۲/۲۵/۳۸۳

۱۳۸۳

م۸۳/۸۱۶۳

کتابخانه ملی ایران

زاهدان - خیابان خیام - جنب مسجد جامع مکی -

انتشارات صدیقی تلفن: ۲۴۴۵۸۴۰



وجوب گذاشتن ریش

- | | | |
|----------|---|----------------------------|
| تألیف | : | مولانا محمد زکریا کاندهلوی |
| ترجمه | : | عبداللطیف نارویی |
| ناشر | : | انتشارات صدیقی |
| نوبت چاپ | : | اول |
| سال چاپ | : | بهار ۱۳۸۴ |
| چاپخانه | : | دژ |
| تیراژ | : | ۳۰۰۰ نسخه |

شابک: ۹۶۴-۸۲۷۴-۱۹-۳ ISBN

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار مترجم
۹	زندگی نامه مولف
۹	ولادت و خاندان ایشان
۱۰	دوران فراگیری علم و دانش
۱۱	سفرهای مولانا
۱۱	استادان و مشایخ ایشان
۱۲	شاگردان ایشان
۱۳	صفات و اخلاق ایشان
۱۴	تألیفات
۱۵	وفات
۱۷	مقدمه مؤلف

۳۵ بخش اول

- ۳۵ در مورد احادیث نبوی
- ۳۵ با شرح و بیان و استنباط از آن
- ۴۰ دستور گذاشتن ریش و کوتاه نمودن سبیل
- ۴۵ انبوه بودن ریش حضرت رسول ﷺ
- ۵۰ تغییر در آفرینش خداوند
- ۵۳ مقدار ریش
- ۵۸ ازاله شبهه
- ۶۰ فتوای اصحاب مذاهب
- ۸۱ ممنوعیت مشابَهت اختیار نمودن مردان با زنان و زنان با مردان
- ۸۸ کوتاه کردن سبیل

۱۰۱ بخش دوم

- ۱۰۱ پاسخ به شبهات ریش تراشان
- ۱۱۹ بحث آخر

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار مترجم

بدون تردید خداوند عزّوجلّ برای کامیابی و خوشبختی انسانها در گستره‌ی زمان، دین کاملی را فرستاده است که هر حکم آن مایهٔ حیات، هر دستورش موجب سعادت و هر رهنمودش از دریای بیکران حکمت و معرفتش، مشعل فروزان هدایتی می‌باشد فرا راه بشریت؛ بشریتی که بظاهر پیشرفته است؛ اما در حقیقت، پله‌های انحطاط، فرومایگی و لجام‌گیختگی را با سرعتی سرسام‌آور و تلاشی مضاعف طی می‌کند.

اسلام و رهنمودهای گهربارش، پیام‌آور عزّت، شرف و بهروزی است، و انسان مسلمان آنگاه به عزّت واقعی و سعادت حقیقی می‌رسد که طوق اطاعت و فرمان برداری را در تمامی امور دینی برگردن نهد، و از حریم اسلام با عمل به احکام اسلامی و پایبندی به شریعت و سنت‌های نبوی پاسداری نماید.

امروز، جوامع اسلامی با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند؛ علاوه بر بحرانهای عظیمی که مسلمانان در سراسر گیتی گرفتار آن‌اند که

شاید این همه بحران و مشکل پیامدهای همین دین‌گریزی و نفس‌پروری می‌باشند. چون عقب‌نشینی و سهل‌انگاری در امور دینی و احکام الهی و نبوی بحران‌زاست؛ بحران‌هایی که بسا امکان قلع و قمع مسلمانان در آن می‌رود.

علت اصلی هم در این گونه موارد تنها بی‌عملی نیست؛ بلکه بدعملی نیز هست که شاید سخت‌تر و عمیق‌تر از بی‌عملی باشد. چه آن که روزانه می‌بینیم بر اثر تأثیرپذیری نابجا و ناآگاهانه از فرهنگی منحط غرب، عده‌ای هرگز بسوی عمل نمودن به سنت‌ها گامی بر نمی‌دارند. برخی دیگر با بدعملی‌ای که گرفتار آن هستند دست به تأویل و تفسیر - بی‌مورد - می‌پردازند، بعضی از انسانها هم بنابر علل مختلفی، زبان به اعتراض و استهزا می‌گشایند که چه بسا در این گونه موارد، به تصریح فقهای امت، خطر زوال ایمان می‌رود.

در حالی که هر ملتی برای حفظ و هویت و امتیاز خویش فداکاری می‌کند، امت اسلام باید در راستای مبارزه، جهت حفظ بقای هویت خویش به میدان بیاید.

امروزه «سیکها» در هر جا و هر محیطی حاضر نیستند از رسم و عمامه خویش دوری‌گزینند. چنانکه در هندوستان - بنابر تازه‌ترین اخبار - با فعالیت‌های گسترده‌ای توانسته‌اند حکومت را قانع کنند که این گروه (سیکها) در مراکز پلیسی و نظامی هم باید با همان وضعیت

اصلی؛ یعنی با عمامه و ریش گره خورده، به انجام مسئولیت پردازند. اما مسلمان از این قاطعیت و عزم راسخ بسیار دور افتاده است و می‌خواهد که در هویتی دیگر غیر از هویت واقعی خویش زندگی بسر کند.

از این رو بود که به اشاره‌ی استاد محترم - حضرت مولانا مفتی محمد قاسم قاسمی حفظه الله - اقدام به ترجمه رساله‌ی حضرت شیخ الحدیث مولانا محمد زکریا رحمته الله علیه که درباره سنت ریش بود، اقدام نمودم تا شاید قدمی باشد در راه احیای این سنت ترک شده‌ی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و انگیزه‌ای باشد برای مسلمانانی که تا کنون در ورطه غفلت و ناآگاهی قرار گرفته‌اند؛ تا ظاهر و باطن خود را با زیور سنت نبوی بیارایند و رضایت خالق که منوط به پیروی از سنت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، حاصل نمایند.

نکته شایان ذکر آنکه هدف از ترجمه این کتاب لزوماً آن نیست که ریش تراشان را از دایره اسلام خارج کنیم یا به اتهام دیگری منسوب نماییم؛ بلکه منظور آنست که این فضای بی‌پروایی که نسبت به این سنت والای آنحضرت صلی الله علیه و آله می‌شود، شکسته شود و کسانی که ناآگاهانه به این گناه بزرگ مبتلا هستند، متوجه شده، در ساختار ظاهری خویش تجدید نظر کنند، چرا که گناه هر قدر باشد، نباید انسان آن را کوچک و معمولی پندارد؛ چون خداوند عزوجل قانونی دارد و تکیه بر عفو و

گذشت خداوندی، نباید انسان را نسبت به او امرش بی پروا و جسور گرداند.

در خاتمه لازم است یادآور شوم که این ترجمه خالی از کاستی و نقص نیست؛ لذا امیدوارم که صاحب نظران و اندیشمندان ما را در جهت اصلاح آن یاری دهند.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و هو رب العرش الکریم

عبداللطیف ناروئی

زندگی نامه مولف^(۱)

ولادت و خاندان ایشان

حضرت شیخ الحدیث، مولانا محمد زکریا کاندھلوی در سال ۱۳۱۵ هـ ق در «کاندھله» هند به دنیا آمد. وی در خانواده‌ای چشم به جهان گشود که در زمینه علم و محنت دین سابقه‌ای طولانی داشته‌اند و یکی از امتیازات و ویژگی‌های بزرگمردان و اسلاف این خاندان محترم، تمسک به دین و صلابت در آن و حرص بر حفاظت کتاب الله و سنت نبی علی صاحبها الصلوٰۃ والسلام می‌باشد که از بارزترین آنان علامه مفتی الہی بخش (متوفای ۱۲۴۵ هجری) و داعی بزرگ، حضرت مولانا محمد الیاس کاندھلوی (متوفای ۱۳۶۳ هجری) بنیانگذار نهضت دعوت و تبلیغ، و والد بزرگوار مولف حضرت مولانا محمد یحیی کاندھلوی (متوفای ۱۳۳۴ هجری) که عمرش را در خدمت علم دین و نشر کتابهای دینی و توزیع آن گذراند، می‌باشند. خداوند متعال همه آن بزرگواران را قرین رحمت قرار دهد و، ما را نیز توفیق دهد تا از آثار گرانقدرشان بهره‌مند شویم.

۱- برگرفته از کتاب: اعلام المحدثین فی الهند فی القرن الرابع عشر الهجرى ص

دوران فراگیری علم و دانش

وی در هفت سالگی به حفظ قرآن عظیم موفق گردید و نخستین دروس ادب فارسی و عربی را از عموی خویش، داعی بزرگ، حضرت مولانا محمد الیاس کاندهلوی فراگرفت. سپس همراه با پدر بزرگوارش به «سهارنپور» رخت سفر بسته به دانشگاه دینی مظاهر العلوم پیوست و در دوران تحصیل در آن جامعه، از محضر محدث کبیر علامه خلیل احمد سهارنپوری استفاده برد و صحیح بخاری و سنن ترمذی را از ایشان فراگرفت و همچنین از محضر پدر بزرگوار خویش که در آن جامعه، مدرس حدیث بود نیز بهره گرفت. و پس از آنکه در همان جامعه فارغ التحصیل شد، همانجا بعنوان مدرس تعیین گردید؛ در حالیکه کوچکترین اساتید در آن دوران بود. مدتی نگذشت که ریاست مدرسین را عهده دار گردید. بزرگترین غم و اندیشه ایشان حدیث شریف بود و بنابر رغبتی که نسبت به حدیث داشت بالاترین آرزویش بود، بگونه‌ای که پس از مدتی به آرزویش دست یافت و بالاخره به «شیخ الحدیث» معروف گردید ایشان در جامعه مظاهر العلوم کتب مرجع حدیث را تدریس نمود و بیشتر به تدریس (سنن ابی داود) (و صحیح بخاری) اشتغال داشت و با وجود ضعف بینائی و هجوم بیماری تا مدت مدیدی این برنامه را ادامه داد، تا اینکه ریاست تدریس حدیث شریف، به ایشان محول گردید.

سفرهای مولانا

بیش از یکبار به زیارت حج و عمره مشرف گردید. نخستین بار در سفر حج با استاد خود محدث علامه خلیل احمد سهانپوری، صاحب «بذل المجهود فی حل ابی داود» (در سال ۱۳۴۴ هجری) که در همین سفر تحریر کتاب ارزشمند و معروف خویش اوجز المسالك الی مؤطامالک را آغاز نمود؛ در حالی که عمر ایشان بیست و نه سال بود. پس از آن باز بسوی این اماکن روح افزا و متبرک رخت سفر بست و چند سال قبل از وفات، بطور مهاجر از هند بسوی مدینه منوره (علی منورها الصلوة والسلام) شتافت و در آنجا رحل اقامت افکنده همسایه مسجد رسول الله ﷺ گردید و همواره به ذکر و عبادت، ارشاد و موعظه می پرداخت، و یکی از بزرگترین اهداف و آرزوهای ایشان آن که دین اسلام و علوم اسلامی در بلاد مغرب نشر و اشاعه شوند و بر همین اساس شاگردانش را به شهرها و کشورهای مختلف اروپا و آمریکا و کانادا می فرستاد که در آن سرزمین ها مراکز دینی و مدارس را تاسیس و پایه گذاری نمایند و خود ایشان نیز با وجود کهن سالی و بیماری بیش از یکبار به انگلستان و آفریقا سفر نمود.

استادان و مشایخ ایشان

۱ - محدث کبیر علامه خلیل احمد سهانپوری (متوفای ۱۳۴۶)

هجری) که از بزرگترین مشایخ ایشان بود و مدت قابل ملاحظه‌ای را تحت نظر ایشان گذراند و همچنین در تالیف کتاب «بذل المجهود فی حل سنن ابی داود»، ایشان را یاری و مساعدت نمود.

۲- داعی بزرگ عصر حاضر، مصلح کبیر، مولانا محمد الیاس کاندهلوی (م ۱۳۶۳ هجری) احیا کننده نهضت دعوت و تبلیغ و عمومی مؤلف کتاب.

۳- پدر ایشان مولانا محمد یحیی کاندهلوی (متوفای ۱۳۳۴ هجری)

۴- علامه مولانا عبداللطیف برقاصوی.

۵- مولانا عبدالوحید سنبلی.

شاگردان ایشان

روی آوری طلاب به سوی ایشان از تمام جهان بسیار بود و شاگردان و کسانی که از ایشان بهره‌مند گردیدند بیش از حد شمار بود که در اینجا به ذکر عده‌ای بسنده خواهیم کرد:

۱- علامه محدث مولانا محمد یوسف متالا که حامل رایت حدیث و روایت است و بنیانگذار دارالعلوم العربیه الاسلامیه انگلستان نیز می‌باشد.

۲- علامه بزرگ مولانا مفتی محمد عاشق الهی (متوفای ۱۴۲۲

هجری) مفتی حنفیه در مدینه منوره.

۳- حضرت مولانا مفتی محمود حسن گنگوہی (متوفای ۱۴۱۷ هجری) مفتی اعظم سابق هند.

۴- محدث بزرگ مولانا محمد یونس جونفوری شیخ الحدیث فعلی جامعه مظاهر العلوم سہارنپور.

۵- حضرت مولانا محمد هاشم جو غواری حفظہ اللہ استاد حدیث شریف در دارالعلوم انگلستان.

۶- حضرت مولانا محمد طلحہ کاندہلوی حفظہ اللہ (فرزند مؤلف و رئیس جامعه مظاهر العلوم هند)

۷- علامہ محدث شیخ محمد عوامہ حفظہ اللہ (حلبی سپس مہاجر مدینہ منورہ و محدث آن)

صفات و اخلاق ایشان

مولانا محمد زکریا رحمۃ اللہ علیہ چہار شانہ، خوش سیما، سفید رنگ، پرنشاط، سبک روح، پراشک بودند کہ ہر گاہ از اخبار حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و اصحاب کرام یا اولیاء بیان می شد دیدگانش بسیار اشکبار می گشت، بسیار عبادت می کرد و ہموارہ با مراکز دینی در ارتباط بود بہ جماعت های دعوت و تبلیغ بسیار ارج می نہاد، براوقاتش بسیار پایبند بود و همچنین در زمینہ مطالعہ و تالیف قدمی بلند داشت.

تألیفات

از دوران تحصیل به مطالعه و تألیف مشغول گردید و از نخستین کارهای تصنیفی ایشان «شرح الفیه ابن مالک» می باشد که هنوز به چاپ نرسیده است. و مهم ترین تألیفات ایشان از این قراراند:

- ۱- اوجز المسانک الی مؤطا الامام مالک (در پانزده جلد)
- ۲- لامع الدراری علی جامع البخاری (تعلیقات ایشان است بر دروسی که از علامه رشید احمد گنگوهی بر بخاری فراگرفت) (در ۱۰ جلد)
- ۳- الکوکب الدرری علی جامع الترمذی تعلیقات ایشان بر دروس حضرت مولانا رشید احمد گنگوهی (در چهار جلد)
- ۴- الأبواب و التراجم (فی الجامع الصحیح للامام البخاری) (در سه جلد)
- ۵- حجة الوداع و عمرات النبی ﷺ.
- ۶- فضایل اعمال.
- ۷- وجوب اعفاء اللحیه. (کتابی که ترجمه آن را در دست دارید)
- ۸- اسباب سعادة المسلمين و شقائهم.
- ۹- شرح الشائل المحمدیه امام ترمذی (به زبانهای عربی و اردو)
- ۱۰- فضایل صدقات.

وفات

حضرت شیخ الحدیث رحمۃ اللہ علیہ همواره آرزو داشت و دعا می کرد که در جوار حضرت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم روحش به ملکوت اعلیٰ پیوندد و در قبرستان بقیع در کنار صحابه و اهل بیت او را جایی میسر گردد. خداوند عزوجل نیز ایشان را به آرزویش رسانده در آخر ماه رجب (۱۴۰۲ هجری) به دیار باقی شتافت؛ جمع عظیم و خلق بسیاری در تشییع جنازه ایشان شرکت نمودند بگونه ای که چنین جمع بزرگی را برای وفات عالمی کمتر دیده بودند و در محدوده اهل بیت کرام و در کنار شیخ و استاد خود حضرت مولانا خلیل احمد سهارنپوری به خاک سپرده شد. (رحمه الله تعالی و اجزل مثوبته و اسکنه فسیح جنازه).

مقدمه مؤلف

الحمد لله الذى خلق فسوى، و جعل من الانسان الذكر والانثى، و ميز بينهما فزين النساء بالذوائب^(۱) و الرجال باللحى، و الصلوة و السلام على من جاء بالنور و الهدى، وفاق نوره الشمس فى الضحى، و على آله و اصحابه اولى التقى و من اتبعهم باحسان من اهل الامصار و القرى.

اما بعد:

بدون تردید تراشیدن ریش امری ناروا و گناهی شنيع مى باشد؛ چنانکه در احادیث صحیح و کتابهای مذاهب چهارگانه بدان تصریح شده است و بنده از همان دوران نوباوگی تراشیدن و کوتاه نمودن ریش را ناپسند مى داشتم؛ چون - الحمد لله - در خاندانی صالح و در دامن صالحان پرورش یافتم و شکوفایی من در محضر استادان کامل و علمای ربانی و عرفا^(۲) صورت گرفت و در سرزمین هندوستان،

۱- الذوائب: جمع ذوبه. به معنی یافته شده سر اطلاق مى گردد. (لسان العرب

۲- مؤلف رحمه الله در خاندانی پرورش یافته بود که شهرت بلندی در راستای زهد.

عوام و خواص درباره ریش از اهتمام خاصی برخوردار هستند تا جایی که عوام پشت سر کسی که ریش می تراشد یا آن را کوتاه می کند نماز نمی خوانند، گرچه خود دارای ریش نباشند.

با توجه به اینکه استعمار انگلیس مدت مدیدی در سرزمین هندوستان باقی ماند، مردم از آن متأثر گشتند و می پسندیدند که در زندگی شان فرنگی باشند، و در لباسها، غذاها، ظاهر، و رفتار، شیوه کفار یهود و نصاری را برگزیدند، و از آنان پیروی نمودند. بر نهج آنان قدم گذاشتند. چون به عرب و عجم نظری بیفکنی، مشاهده خواهی نمود که اغنیا، فقیران، پیران، جوانها، مردان و زنان و حتی کودکان از هر گروه و فرقه ای که باشند لباس دشمنان اسلام را به تن کرده اند و جزء مؤمنان مخلص کسی از آن مستثنی نخواهد بود و آنان نیز اندک اندک اند.

من در حیرتم از مسلمانانی که خویشان را به رسول اکرم ﷺ نسبت می دهند؛ اما صورت و ظاهر ایشان را نمی پسندند؛ لذا ریش را تراشیده، در گفتار و کردار به رسول اکرم ﷺ اقتدا نمی کنند.

نیکوئی داشتند و قبل از همه می توان از پدر گرامی اش حضرت علامه محمد بیجی کاندهلوی و عموی بزرگوار ایشان حضرت مرلانا محمد الیاس کاندهلوی (رحمهم الله) نام برد چنانکه بطور تفصیل در زندگی نامه مؤلف ذکر گردید.

جای بسی تأسف است که این وبا عام شده است تا بدانجا که حاملین قرآن، راویان حدیث و دعوتگران بسوی دین و اسلام مشاهده می‌شوند که در زندگی شان فرنگ مآبی را می‌پسندند و آن را تمدن، پیشرفت و روشنفکری می‌نامند و گمان می‌کنند که عزت و سربلندی در همین روشنفکری تاریک و در همین پیشرفتی است که آنان را از اتباع دین و سیره پیامبرشان بازداشته است.

پس ای برادر مسلمان و مؤمن تو را بخداوند سوگند می‌دهم که بگو: آیا انسان مسلمان با معصیت و نافرمانی خداوند عزت می‌یابد؟ و با اتخاذ نمودن شیوه دشمنان خدا به سربلندی می‌رسد؟ به رب کعبه سوگند که چنین چیزی هرگز امکان پذیر نخواهد بود.

﴿آيَتِنُفُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^(۱)

آیا گفتار زیبای حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه به حضرت ابو عبیده بن جراح، امین امت، برای عبرت ما کافی نیست؟ هنگامی که در سفرش به شام فرمود: «انا كنا اذل قوم فاعزنا الله بالاسلام، فهما نطلب العز بغير ما اعزنا الله اذلنا الله» اخرجنا الحاکم^(۲) فی کتاب

۱- سوره نساء

۲- محمد بن عبدالله بن نعيم المضيبي النيسابوري مشهور به حاکم، از حفاظ بزرگ

الایمان من المستدرک^(۱) و قال صحیح علی شرط الشیخین و اقره الذهبی^(۲)

حدیث و صاحب تصانیف در این زمینه می باشد از جمله تألیفات ایشان: المستدرک علی الصحیحین و معرفة علل الحدیث و تاریخ نیشابور و غیره می باشد. در سال ۳۲۱ هجری زاده شد و در سال ۴۰۵ دار فانی را وداع گفت (رجوع کنید به: الاعلام للزرکلی ۲۲۶/۶)

۱- حاکم در مستدرک خود ۶۲/۱ و با سند خود از طارق ابن شهاب روایت کرده است که فرمود: حضرت عمر رضی الله عنه راه شام را در پیش گرفت و ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه نیز همراه ما بود حضرت عمر رضی الله عنه بر شتر سوار بود که برگذرگاه آبی رسیدند؛ از شتر پیاده شده، موزه هایش را در آورد و بر شانه اش گذاشت. لذا لگام شترش را گرفته بسوی گذرگاه آب حرکت نمود. حضرت ابو عبیده رضی الله عنه فرمود: ای امیرالمؤمنین شما چنین کاری می کنید؛ موزه هایت را درآورده بر شانه هایت قرار می دهید و لگام شترت را گرفته در آب داخل می شوید؟ مرا ناپسند است که اهل شهر شما را در چنین حالی مشاهده نمایند. حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: «اوه؛ ای ابو عبیده اگر این سخن را کسی دیگر به جای تو می گفت؛ او را عبرتی برای امت محمد صلی الله علیه و آله قرار می دادم، ما ذلیل ترین قوم بودیم که خداوند به حرمت اسلام ما را عزت بخشید؛ پس هر گاه عزت را در غیر آنچه که خداوند ما را بدان عزت بخشیده است جستجو کنیم، خداوند ما را ذلیل خواهد کرد».

۲- ذهبی: او محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز بن عبدالله فاروقی است اصلش

ما قوم بسیار فرومایه بودیم که خداوند عز و جل بوسیله اسلام ما را عزت بخشید و هرگاه عزت را در غیر آنچه خدا ما را بدان عزت داده است جستجو نماییم خداوند ما را ذلیل خواهد کرد و در روایتی دیگر از حاکم^(۱) چنین آمده که حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: «اَنَا قَوْمُ اعْزَنَا

تُرْكُمَانِي. ساکن دمشق ملقب به ذهبی و شافعی مذهب نیز می باشد. (ابو عبدالله شمس الدین) محدث و مؤرخ و از بزرگان حفاظ حدیث و ناقدان آن می باشد، در سال ۶۷۳ هجری در دمشق متولد شد و به سال ۷۴۸ در همان شهر وفات یافت. از تصانیف بسیارش به تعدادی اشاره خواهیم نمود: تاریخ الاسلام الکبیر، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تذکره الحفاظ، سیر اعلام النبلا و غیره... (رجوع کنید به معجم المؤلفین ۲۸۹/۸، ۲۹۰)

۱- مسند رک حاکم، و بطور کامل چنین آمده که طارق ابن شهاب گفت: وقتی که حضرت عمر رضی الله عنه به شام رسید لشکرها به استقبال ایشان آمدند در حالی که بر ایشان شلوار، دو موزه و عبادهای بود و خود لگام شترش را گرفته بود و قصد عبور از گذرگاه را داشت کسی آمد گفت: ای امیر المؤمنین لشکرها و فرماندهان شام به دیدار شما می آیند و شما در چنین حالی هستید؟ حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: «ما قومی هستیم که خداوند ما را به حرمت اسلام عزت بخشیده است و ما به غیر از آن عزتی را جستجو نخواهیم کرد» سخن مناسبی که ایرادش ضروری می نماید، همانا گفتار زیبایی حضرت محدث کبیر، فقیه و فاضل مولانا محمدتقی عثمانی حنفی رحمه الله

﴿نائب رئیس مجمع فقه اسلامی جده﴾ می‌باشد که آن را در کنفرانس سیرت نبوی که در سال ۱۴۰۰ هجری در دوحه پایتخت قطر برگزار گردید، ایراد کرد. ایشان فرمود: هنگامی که در مورد این موضوع زندگی صحابه رضی الله عنهم را بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ایمان آنان تنها ایمان عقلی و نظری نبود، بلکه ایمانی قلبی و طبیعی بود که محبت شدیدشان نسبت به خدا و رسول آن را نیرو می‌بخشید. پس آنان نمی‌پسندیدند مگر سیرت رسول خدا ﷺ را در زندگانی، همزیستی، اخلاق، سیرت، عبادت و معامله حتی در صورت و پوشش. و یکی از ویژگی‌های اتباع سنت آنها آن بود که در این باره از ملامت هیچ ملامت‌گر و انکار هیچ منکری هراس نداشتند و هیچ گاه به مسخره کفار، استهزاء بیگانگان و سبک شمردن مشرکان توجه نکردند بلکه بنابر محبتی که با سنت داشتند بر آن استوار ماندند و اعتقاد جازمی بر آن داشتند که ورای سنت خیری وجود ندارد و بخاطر ارضای مشرکین یا مدارات با کفار یا بخاطر بدست آوردن قلب بیگانگان و حتی در اشیایی که ما آن را بسیار سطحی می‌دانیم نیز سنت را رها نکردند.

ابن ابی شیبہ و غیره از ایاس بن سلمه و او از پدرش (در قصه‌ای دراز) روایت نموده است که در معرکه حدیبیه هنگامی که حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه بعنوان پیغام رسان بسوی مکه فرستاده شد، لشکر کفار او را مسخره نموده، با او به بدی سخن گفتند. سپس پسر عموی او ابان بن سعید، او را بر زین پشت سر خود سوار نموده و به

به منزل خود برد. وقتی رسیدند ایوان گفت: ای پسر عمویم چرا تو را فروتن می بینم؟ شلوارت را پایین بکش؛ زیرا شلوار ایشان تا نصف ساق برد. تردیدی نیست که در این مشوره در ظاهر بعضی مصالح را در نظر گرفته برد؛ اما عثمان رضی الله عنه بدان رضایت نداد و اینگونه آنان را اجزای داد گفت: شلوار سرور ما چنین است. (کنز العمال ۵۶/۸)

همچنین ابن مند و ابو نعیم از جناب ابن مساحق کنانی رضی الله عنه که حضرت عمر رضی الله عنه ایشان را بعنوان سفیر بسوی هرقل فرستاده بود. روایت کرده اند که فرمود: من نشستم اما ندانستم که بر چه نشستم. ناگهان متوجه شدم که من بر صندلی زرینی نشستم. وقتی آن را مشاهده نمودم فرد آمد. هرقل خندید و گفت ما عزت تو را با این صندلی بجا آوردیم؛ چرا از آن فرود آمدی؟

گفتم: من از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده ام که از استفاده صندلی طلا نهی می کرد؛ لذا فرود آمدم (کنز العمال ۱۵/۷ و الاصابه ۱/۳۲۸). چنین روایاتی در کتب احادیث بسیار یافت می شوند و تاریخ ما مملو از چنین واقعات مبارک و زیبایی از اتباع سنت می باشند. اما حاصل این روایات و وقایعش آن است که اصحاب کرام رضی الله عنهم بطور کامل در راه اتباع سنت قدم برداشتنند؛ بگونه ای که هیچ گاه خرافات آنان را مغلوب نداشت؛ نه دچار تحریف شدند و نه از اجانب عراسی داشتند و نه از استهزاء کفار و مشرکین پروایی.

اما، ما با این که ایمان داریم بر این امر که سیرت حضرت رسول ﷺ بهترین سیرت است، باز هم در میان سنتهای ایشان امتیاز قائل می‌شویم؛ آنرا که مطابق خواسته‌مان باشد بر می‌گزینیم و دیگری را رها می‌کنیم گاهی می‌گوییم این سنت عادی است و اتباع آن بر ما لازم نیست. گویا ما عادت‌ی بهتر از عادت حضرت رسول الله ﷺ را یافته‌ایم. لذا آن را اتباع و پیروی نمودیم - العیاذ بالله - و گاهی مرتکب می‌شویم که این سنت در حال حاضر خلاف مصلحت می‌باشد و گاهی هم چنین بهانه‌تراشی می‌کنیم که این سنت در دوران رسول الله ﷺ مشروع بوده، اما اکنون مشروع نیست.

پس چنین تأویلاتی که ما شب و روز مرتکب می‌شویم بر آن دلالت دارد که ایمان ما از جنبه محبت با سنت رسول خدا ﷺ نقص دارد و فرق عظیمی که در میان ایمان ما و ایمان صحابه رضی الله عنهم وجود دارد، همین است.

پس اگر ما می‌خواهیم به همان عزت و کرامت و پیشرفت و سربلندی که مسلمانان صدر اسلام و قرون اولیه بسبب اتباع سنت بدان دست یافتند برسیم، لازم است که ما نیز پیروی رسول خدا ﷺ را بکنیم، آنگونه که صحابه و تابعین پیروی نمودند. بدون تحریف و تمویه و بدون ارضای خواهشات نفسانی و بدون خوف و هراس از مسخره بیگانگان، پس بخدا سوگند، عزت در ساختمانهای بلند، قصرهای عالی و لباس‌های فاخر نیست؛ بلکه همانا عزت در اتباع و پیروی رسول اکرم ﷺ می‌باشد.

الله بالا سلام فلن تبتغی العزة بغيره»

(ما قومی هستیم که خداوند عزوجل ما را به حرمت اسلام عزت بخشیده است؛ پس عزتی را و رای اسلام جستجو نخواهیم کرد.)
بدون تردید حضرت عمر رضی الله عنه راست و حقیقت را بیان داشته است؛ زیرا مسلمانان تا وقتی عزتی را که خداوند به آنان داده، عزت خود می‌دانستند آنها در تمام عالم عزتمند بودند و مستکبران عالم، همه در برابر آنان سر تسلیم فرود آوردند. اما زمانی که بسوی دشمنان مایل گشته، عادات آنان را پسندیدند و تقلیدشان نمودند در نزد آنان نیز دلیل و پست گشتند. چنانچه این امر بر همه مشهود و غیر قابل انکار می‌باشد. بدون تردید این گناه عام شده است؛ حتی در میان علما، مشایخ و صاحبان تفسیر و حدیث و دانش پژوهان علوم اسلامی. اینها را هم مثل دانشجویان مدارس امروزی می‌بینیم، ریش را می‌تراشند یا کوتاه می‌کنند، انالله و انا الیه راجعون

کسی که روزی سیر و روزی دیگر گرسنه بود آنکه بر حصر می‌خوابید و بر شکم مبارکش از فرط گرسنگی سنگ می‌بست؛ آنکه خندق را حفر می‌کرد و با دست مبارک خربیش خشتهای بنای مسجد را کار می‌کرد؛ پس برای ما نیز عزتی نیست؛ مگر اینکه بطور کامل و در همه چیز به رنگ ایشان در آییم. (برگرفته از کتاب «جهان دیده» به زبان اردو، ص ۳۹۷ و مابعد آن از حضرت علامه قاضی محمد تقی علمدانی

این مصیبت بزرگی است که باید صاحبان مسئولیت بدان توجه نمایند و شکی نیست که آنها گنهکار و مقصراند. و در مورد احکام خداوند بی توجه و نسبت بدان مسئولند. خداوند آنان را بسوی بازگشت، توبه و رجوع بطرف حقّی که باطل را بدان راهی نیست هدایت گرداند. در سال ۱۳۹۵ هجری هنگامی که از مدینه منوره به طرف سهارنپور^(۱) هند سفر کردم، نسبت به تراشیدن ریش تنفر بیشتری قلبم را فرا گرفت بیش از آنچه که در قبل بود. پس در هر مجلس و بزمی بیش از پیش کسانی را که ریش را می تراشیدند یا کوتاه می کردند نکوهش می کردم و علتش هم این بود که این گناه عام شده

۱- شهر سهارنپور در استان اترپرادش هند قرار دارد و افتخار آن را دارد که یکی از بزرگترین مراکز دینی هند جامعه «مظاهر العلوم» را در خود جای دهد. این جامعه در اوائل رجب سال ۱۲۸۳ هجری تأسیس گردید، و بسیاری از علماء صالح و مردان معنوی را در جنبه های مختلف علم و دین تحویل جامعه اسلامی داد و علماء و فارغ التحصیلان این جامعه خدمات و آثار ارزنده ای را در زمینه شرح کتابهای حدیث و خدمت ابن فن شریف بر جای گذاشتند. و بر بسیاری از کتب حدیث شروحات مختلفی را به رشته تحریر در آوردند. و در بیشتر مدارس اسلامی هند این روش تعلیم را نشر کردند و این جامعه همان است که مؤلف رحمه الله تا مدت درازی امهات کتاب حدیث را در آن تدریس نمود (جزا الله عن الاسلام والمسلمین خیر الجزاء) بنگرید: المسلمون فی الهند. از علامه شیخ ابوالحسن ندوی (۱۳۱)

بود. همچنین حضرت مولانا سید حسین احمد مدنی^(۱) در سال‌های اخیر زندگی‌اش این عمل را بشدت مورد نکوهش قرار می‌داد. و در این باره دو چیز در ذهن می‌آمد:

۱- او مجاهد کبیر حضرت علامه شیخ الاسلام مولانا حسین احمد مدنی رحمۃ اللہ علیہ می‌باشد که از علمای بزرگ و محدثین هندوستان بشمار می‌رود. حدیث را از شیخ الهند محمود حسن دیوبندی فرا گرفته. مدت درازی همراه ایشان بود. سپس به مدینه منوره سفر کرد و آنجا مقیم شد و در مسجد نبوی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم تا هفده سال درس حدیث را جاری نمود. که در خلال این مدت بسیاری از علمای بزرگ و صاحب نفوذ حجاز و مسافری که از نقاط مختلف جهان می‌آمدند، در محضر ایشان زانوئی نلמד زدند. سپس به هند بازگشته با سمت نادر و نیروی اراده به تدریس و کار در برنامه‌های سیاسی پرداخت و علیه انگلیس از همت والایش کار گرفت و به همین سبب بازداشت شده همراه با شیخ خود حضرت مولانا محمود حسن به جزیره «مالتا» تبعید گردید. و مدت سه سال را در تبعید گذراند؛ اما هنگامی که از تبعید بازگشت، باز هم در زمینه مبارزه و جهاد علیه انگلیس همان رویه را اعمال نمود و چون هندوستان استقلال یافته از چنگال استعمار انگلیس بدر آمد، به تدریس و خطابه و نصیحت روی آورد تا اینکه در سال ۱۳۷۷ به دار باقی شناخت. آثار علمی ایشان: «تقریر بخاری» امالی ایشان بر صحیح بخاری، و «معارف مدینه» امالی ایشان بر جامع ترمذی رحمۃ اللہ علیہ (بنگريد: دارالعلوم دیوبند، مدرسه فکریه ۱۳۲۴ و اعلام المحدثین فی الهند ۷۷، ۷۸)

اول: اینکه گناهان بسیارند مثل: زنا، لواط، نوشیدن شراب و غیره اما هنگام ارتکاب آن بنده گنهگار می‌گردد؛ چنانکه حضرت رسول ﷺ بدان اشارت نموده است (لایزنی الزانی حین یزنی و هو مؤمن و لایسرق السارق حین یسرق و هو مؤمن، و لایشرب الخمر حین یشربها و هو مؤمن) (الحديث رواه البخاری و مسلم)

وقتی کسی زنا می‌کند، در آن وقت او زانی گفته می‌شود نه مؤمن؛ وقتی کسی دزدی می‌کند در آن وقت او سارق گفته می‌شود نه مؤمن؛ وقتی کسی شراب می‌نوشد در آن وقت او شرابی و میگسار گفته می‌شود نه مؤمن.)

عکرمه می‌گوید: من به ابن عباس رضی الله عنهما گفتم: ایمان چگونه از آدمی جدا می‌گردد؟

فرمود: اینگونه و انگشتانش را داخل هم قرار داده، سپس بیرون آورد؛ پس اگر توجه کنید، دوباره باز می‌گردد و انگشتان را دوباره داخل هم قرار داد. (رواه البخاری)^(۱)

۱- بخاری این حدیث را در جاهای متعدد و با الفاظ نزدیک به هم آورده است. از جمله: ۱۹۵/۸ در کتاب الحدود و ما یحذر من الحدود (باب لایشرب الخمر) و مسلم ۷۶/۱ در کتاب الایمان (باب بیان نقصان الایمان بالمعاصی و نفيه عن الملتبس بالمعصية علی ارادة نفی کماله) هر دو از ابی هریره رضی الله عنه مرفوعاً.

پس این گناهان با پایان یافتن عمل به انتها می‌رسند؛ اما تراشیدن ریش و کوتاه نمودن آن برخلاف شرع،^(۱) گناهی مستمر و در حال انجام و زمانی باقی است چون برای مسلمان و مؤمن در هر حال لازم است که ریشش همواره بزرگ و موافق با شریعت مطهر اسلام باشد. پس وقتی از امر شریعت سرپیچی می‌نماید، در هر لحظه‌ای که از زندگی‌اش می‌گذرد گنهکار است تا وقتی که توبه نکند و ریش را هم آنگونه که دستور حضرت رسول ﷺ است، نگذارید؛ و بلندتر از سنت، نگذارید.

پس فرد ریش تراش روزه می‌گیرد، نماز می‌خواند، حج و عمره می‌کند. و در حال انجام این همه عبادات بزرگ است و با این حال مرتکب این معصیت می‌باشد. و حتی در حال خواب و خورد و نوش هم خواه ناخواه حامل این گناه است و در هر ثانیه، صحیفه‌اش از سیاهی و گناه پرتر می‌شود؛ بسبب همین معصیت ناروا و همیشگی.

دوم: واضح است که چهره‌ای را که ریش آن تراشیده شده است، حضرت رسول اکرم ﷺ بسیار ناپسند می‌دارد. پس هنگامی که یکی از این افراد می‌میرد و در قبر نهاده می‌شود، چگونه به خود جرأت می‌دهد که با این چهره ناپسند با رسول اکرم ﷺ روبرو گردد؟ چون در احادیث آمده است که در قبر مورد سؤال قرار گرفته، پرسیده می‌شود که:

۱- خلاف شرع. کمتر از یک سنت می‌باشد چنانچه می‌آید.

نظرت در مورد این شخص حضرت رسول ﷺ چگونه بوده است؟^(۱) عده‌ای از شارحان حدیث گفته‌اند: در آن هنگام چهره حضرت رسول ﷺ به او نمایانده^(۲) می‌شود.

۱- این جزء حدیث درازی است که امام بخاری آن را در کتاب الجنائز (باب ما جاء فی عذاب القبر و قوله تعالی... اذ الظالمون فی غمرات الموت) ۱۲۳/۲ و مسلم ۲۲۰۰/۴ - ۲۲۰۱ در کتاب الجنة و صفة نعیمها و اهلها (باب عرض مقعد المیت من الجنة او النار علیه و اثبات عذاب القبر و التعوذ منه به شماره ۲۸۷۰ هر دو از انس بن مالک رضی الله عنه آورده‌اند.

۲- در (شرح الصدور بشرح حال الموتی فی القبر) از سبوطی صفحه ۱۴۶ چنین آمده است: (از شیخ الاسلام ابن حجر پرسیده شد آیای برای مرده کشف می‌شود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله را ببینند؟ جواب داد که در این زمینه حدیثی وارد نشده است و کسانی چنین ادعا نموده‌اند که خود قابل اعتماد نیستند آنهم بدون دلیل شرعی غیر از همین عبارت - فی هذا الرجل - و این نمی‌تواند دلیل قرار گیرد چون در اینجا اشاره بسوی حاضر فی الذهن می‌باشد. و مؤلف مولانا زکریا در (اوجز المسائل الی مؤطا امام مالک ۲۰۳/۴ آورده است: عیاض گفته است احتمال آن می‌رود که صورت تمثیلی برای مرده در قبر نشان داده می‌شود و قول واضح‌تر آنست که نام مبارک برای میت گرفته می‌شود. در صحیحین از حدیث انس چنین آمده است: در مورد این مرد چه می‌گفتی - اشاره بسوی حضرت محمد صلی الله علیه و آله است - الحدیث. علامه طیبی و

و بخاطر همین امور، در دلم آمد که رساله مختصری به رشته تحریر در آورم و حکم ریش را از دیدگاه رسول اکرم ﷺ صحابه، فقها و اصحاب فتوی از مذاهب اربعه گردآوری نمایم.

وقتی به حجاز بازگشتم در روز چهارشنبه ۲۹ ذوالحجه (۱۳۹۵ هجری) پس از نماز ظهر در مسجد نبوی شریف (علی صاحبہ الصلوٰۃ و السلام) این رساله را آغاز نمودم و به توفیق خداوند آن را به پایان رساندم و در پنج صفر (۱۳۹۶ هجری) و سپس (بحمدالله) در هند و پاکستان چاپ شده، پخش گردید و بسیاری از بندگان خدا از آن بهره بردند. (والحمدلله)

آرزو مندم که برادران مسلمان با تدبیر و تفکر و به نیت عمل و

﴿شارحان مصابیح گفته اند: لام برای عهد دهنی است و در این اشاره بطور مبالغه حاضر معنوی بمنزله صبری قرار داده شده است. امام نووی در شرح مسلم ۲۰۳/۱۷ تحریر نموده است (اما کنت نقول فی هذا الرجل) مقصودش از رجل نبی اکرم ﷺ می باشد و ایرادش با چنین عبارتی که در آن تعظیمی وجود ندارد بخاطر امتحان مسئول می باشد تا تعظیم عبارت سائل تلقینی برای او نباشد. من گویم (گوینده محمد بن آدم کوثری صاحب تعلیق می باشد) آنچه از این نقول ظاهر می گردد آنست که در اینجا نثر عده ای از شارحان پیغمبر ﷺ ظاهر می گردد بگونه ای که ایشان را می بیند، اما قول راجع و قول اکثر آنست که این اشاره برای حاضر در ذهن می باشد.

اطاعت دستور خدا و دستور رسول ﷺ این رساله را مورد مطالعه قرار دهند و در مورد آنچه آنان را در روز رستاخیز نفع می‌دهد، اندیشه کنند و به سرسبزی و تازگی دنیا فریب نخورند که آن را بقایی نیست و در آخرت جز محبت خداوند و محبت رسول ﷺ و اعمال صالح و پرهیز از منکرات و ممنوعات و دوری از گناهان و بیهودگی‌ها چیزی دیگر سودمند نخواهد بود.

امری که در اینجا قابل تذکر است اینکه همانگونه که برای شخص، تراشیدن ریش ناجایز است برای آرایشگر نیز حرام است که ریش کسی را بتراشد یا برخلاف حکم شریعت آن را کوتاه نماید، و همچنین بر آرایشگر حرام است که موهای مسلمانان را به روش فرنگی‌ها کوتاه کند چون همه این اعمال یاری در جهت گناهان و معصیت است؛ لذا حرام می‌باشند.

من خود برخی از آرایشگران خوشبخت را مشاهده کرده‌ام که در راه تأمین نیازهای زندگی‌شان به کار آرایشگری مشغول اند اما با وجودی که در تنگی معیشت قرار دارند از تراشیدن ریش امتناع می‌ورزند فقط بخاطر پرهیز از این معصیت. ولی همواره بر عهدشان استوار هستند که به هیچ صورتی حاضر به تراشیدن ریش مشتریان نخواهند بود.

خداوند عزوجل ایشان را جزای خیر عطا فرموده، همه را بسوی

رضامندی خویش توفیق عنایت فرماید.

این رساله من شامل دو بخش است:

یکی در مورد احادیث نبویه (علی صاحبها الصلوة و التحية) و برداشت‌های آن.

دیگری درباره دلایل مخالفین و پاسخگویی به آنان.

والحمد لله الذى جعلنا من امة حبيبه و صفيه صلى الله تعالى عليه و على آله و صحبه و بارک وسلم والله اسأل الرشاد والسداد، لجميع اهل القرى و البلاد و العفو و الغفران يوم التناد. انه روف بالعباد.

محمد زکریا کاندھلوی مهاجر مدنی کان الله له

۱۴۰۰/۴/۱۵